نکته**در هر موجود زنده آهنگی ویژه نوشته شده است و در تمام هستی، همه مشغول نواختن آهنگی منحصر به فرد هستند.**

در آغاز کلمه بود و کلمه نزد خدا بود...

در هر موجود زنده آهنگی ویژه نوشته شده است و در تمام هستی، همه مشغول نواختن آهنگی منحصر به فرد هستند. در انسان، هر ژن (و پروتئین مربوط به آن) خود، آهنگی پیچیده می سازند و بدین سان، هر انسان تبدیل به کنسرت با شکوهی می شود، در حالی که خود در کنسرت آفرینش یک آهنگ است. کلمه Universe (به معنای جهان) که در زبان انگلیسی برای توصیف بی نهایت و فضای لایتناهی به کار می رود از دو جزء UNIبه معنی یک و Verse به معنی آواز ساخته شده است؛ **جهان یعنی یک آواز**. بتازگی دانشمندان علم ستاره شناسی، بعد از تحقیقات وسیع و طولانی، به این نتیجه رسیده اند که آفرینش نه با یک انفجار عظیم (به نام بیگ بنگ) که با نوایی آرام آغاز شده است. نوایی که بتدریج منتشر شده و اکنون در تمام فضا جریان دارد.

محققان در دانشگاه کمبریج نیز دریافته اند که خورشید کهکشان پرسیوس آوازی خاص و ریتمیک می خواند. اصوات و نواها نه تنها در اعماق فضا، بلکه در مولکول ها و اتم ها نیز یافت شده اند.دکتر دیوید دیمر زیست شناس و سزوان ژاندر موسیقی دان، سراغ شگفت انگیز ترین مولکول حیات یعنی DNA رفته اند.

این ایده کهDNA و موسیقی ممکن است با یکدیگر مرتبط باشند، برای اولین بار توسط دکتر سوسومواوهنو مطرح شد. DNAنردبانی مارپیچ است که از یک سری رمز تکرار شونده تشکیل شده است. رمزهایی که با ترجمه بخش اندکی از آن، پروتئین ها و در نهایت موجودات زنده شکل می گیرند. DNA زبان رمز مشترک در بین تمامی موجودات زنده روی کره زمین می باشد، در آغاز حیات تا کنون، و راستی این زبان مشترک چه می گوید؟

دکتر دیمر و ژاندر، در طی آزمایشات علمی و با ثبت ارتعاشات مولکول DNA به وسیله اسپکترومتر مادون قرمز و تبدیل فرکانسها به نت موسیقی، سعی کردند این زبان مشترک را به صوت ترجمه کنند و حالا سؤال این است: آیا این اصوات و نتها، ملودیک و آهنگین هستند و یا DNA تنها مجموعه ای نامنظم و تصادفی از صدا و فرکانسهاست؟

آنها فرکانسهای DNA یک سلول را به نت ترجمه کرده و شروع به نواختن کردند. نتیجه شگفت انگیز بود، یک موسیقی بسیار زیبا! ژاندر در این رابطه می گوید: «برخی از این ترکیبات فرکانسها، بسیار حیرت انگیز بودند. با شنیدن آنها من به موسیقی زندگی خودم گوش می دادم. بسیاری از افرادی که به موسیقی DNAگوش دادند، کاملاً هیپنوتیزم و مسحور شده اند و بسیاری دیگر نیز ساعتها گریسته اند. برخی دیگر اذعان کرده اند که این موسیقی نوایی از درون آنهاست و آنهایی که با موسیقی کلاسیک آشنایی داشتند به شباهت موسیقی DNA با آثار نوابغی چون باخ، برامز، شوپن و…اشاره کرده اند.

دکتر اوهنو در این باره می نویسد: «ملودی های DNA با عظمت و الهام بخش می باشند. بسیاری از افرادی که برای اولین بار این موسیقی را می شنوند، شروع به گریه می کنند. آنها نمی توانند باور کنند که بدنشان – که تا حالا اعتقاد داشتند فقط تجمعی از مواد شیمیایی است – شامل چنین هارمونی های معنوی و الهام بخشی باشد. نه تنها می توان با DNA موسیقی ساخت، بلکه حتی امکان معکوس کردن فرایند نیز ممکن است. به بیان دیگر شما یک بخش از موسیقی را برداشته و نت ها را به واحدهای سازنده DNA (نوکلئوتیدها) برمی گردانید. در پایان نتیجه شبیه یک رشته از DNA می شود.» اوهنو تلاش کرد تا با قطعه شوپن این کار را انجام دهد. در پایان نتیجه شبیه یک ژن سرطانی شد!

دانشمندان از نتایج این یافته ها در تحقیقات پزشکی نیز استفاده کرده اند. اگر شما هم اهمیت دنبال کردن این آواها را بدانید ممکن است به این نتیجه برسید که با بررسی دی ان ای در تریلیونها سلول بدن و دانستن نوسانات آنها شاید راهی برای بیش از پنج میلیون نفری که از سال 1990 مبتلا به سرطان تشخیص داده شده اند، پیدا شود. فابین مامن یک متخصص بیوانرژی است که با کمک هلن گریمال بیولوژیست و موسیقی دان، بیش از یک و نیم سال بر روی افکت های سلولهای سرطانی در مرکز ملی فرانسه که یک مرکز معتبر تحقیقات اند است کار کرده اند. آنها به این نتیجه رسیده اند که سلول های بافتهای سرطانی صداهای مغشوش و ناهنجاری تولید می کنند و علاوه بر این در آزمایشهای بسیاری ثابت شد که قرار گرفتن سلولهای سرطانی در معرض صداها و امواج صوتی، تغییراتی اساسی در آنها ایجاد می کند، صداهایی که آوا درمانی را به عنوان یک پتانسیل قوی درمانی برای این نوع بیماری ها و موارد بسیار دیگری مطرح می کند.

مامن همچنین تحقیقاتی را بر روی دو بیمار مبتلا به سرطان سینه دنبال کرده است. هر خانم به مدت سه ساعت در روز در طول دوره یک ماهه تحت آوا درمانی (موسیقی درمانی) قرار گرفتند. پس از اتمام دوره درمان، تومور یکی از آنها کاملا ناپدید شد، اما بیمار دوم مجبور شد تومور را جراحی کند. جراح او گزارش می دهد که اندازه تومور کاملا کوچک شده بود و تا حد بسیار زیادی هم تحلیل رفته بود. از این یافته ها به این نتیجه می رسیم که وقتی اندامهایمان بصورت هماهنگ آواز می خوانند ما سلامت هستیم و وقتی که آنها خارج از تنظیمشان آواز می خوانند ما احساس بیماری می کنیم.

و این داستان شگفت انگیز تر می شود اگر بدانیم که تمام سلولهای بدن یک موجود زنده، دارای یک نوع DNA منحصر به فرد هستند و DNA هر موجود (با وجود زبان و ساختار مشترک)، باDNA دیگری متفاوت است و این بدین معناست که در هر موجود زنده آهنگی ویژه نوشته شده است و در تمام هستی، همه مشغول نواختن آهنگی منحصر به فرد هستند.

تصور کنید چگونه «100 تریلیون سلول در بدن هر انسان در حال خواندن آوازی یگانه هستند و شاید این آواز، هم آوا با آواز کهکشان پرسیوس باشد! چرا که نه؟ موسیقی دان و رهبر ارکستری که نتها را در آغاز آفرینش نوشته است یکی بوده و یکی هست. نکات جالب توجه دیگری نیز در این تحقیقات و یافته ها وجود دارد. هر چه موجود از نظر تکاملی (تکامل در زیست شناسی) پیشرفته تر بوده، موسیقی DNA آن نیز پیچیده تر شده است. یک جاندار تک سلولی با داشتن DNA کمتر و پروتئین های محدود تر، موسیقی ساده تری ایجاد می کند. در حالیکه در انسان، هر ژن (و پروتئین مربوط به آن) خود، آهنگی پیچیده می سازند و بدین سان، هر انسان تبدیل به کنسرت باشکوهی می شود، در حالیکه خود در کنسرت آفرینش یک آهنگ است و راستی در کنسرت بزرگ جهان ما آهنگ را چقدر هم آهنگ می نوازیم؟ آیا هم آواز با هستی و خیره به دستان رهبر ارکستر می نوزایم؟ آیا با هر حرکت آرام او، آرام و با هر اشاره سریع، تند می زنیم؟ شاید هم ساز خودمان را می زنیم؟»

Source:http://www.iranbiology.ir

برگرفته از وبلاگ دوست عزیزم: جناب آقای دکتر محمد عبداللهی گیلانیwww.abdollahi1345.blogfa.com-